

کرامت آسمانی

صدیقه درویش زاده

بیانی در آیه ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾ (سوره اسراء، آیه ۷۰) ما بنی آدم را گرامی داشتیم و آن‌ها را در خشکی و دریا بر مرکب‌های راهوار حمل کردیم و از انواع روزی‌های پاکیزه به آنها دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خود برتری بخشیدیم.

(ترجمه برگرفته از: گلی از بوستان خدا ص ۲۸۹)

آن روز که پرتوئی از حسن لایزال خلاق جهان، لباس با شکوه خلقت را بر قامت کائنات می کشید و خلاق را یک به یک، با هدفی مشخص و غایتی معلوم، بر خوان گستراینده وجود، دعوت می نمود، برای اشرف مخلوقات خود (بنی آدم) حساب دیگری گشوده بود. او را در سایهٔ احسانی و سمیع تر و لطفی لطیف تر، خلق نمود. چرا که در وجود او استعدادی شگرف پنهان بود. استعدادی که او را هدف غائی خلقت و خلیفه الله در زمین معرفی نمود. حکایت انسان و امتیاز ویژه اش در بارگاه خداوند بسیار شبیه حکایت آن طوطی در بارگاه شاه است. شاهی که بر ملک عالم فرمانروا بود. چاکران و خادمانش از حد شمار خارج بودند، اما با این همه طوطی در دل شاه منزلت و قرب ویژه ای داشت، انس و محبت شاه نسبت به طوطی باعث



شد تا شاه تصمیم بگیرد برای گویاتر شدن نطق طوطی، همه زبان‌های دنیا را به او بیاموزد.

| | |
|------------------------------|----------------------------|
| خواست شه تا مرغ شیرین کار او | تازه باشد هر زبان گفتار او |
| سرّ این و آن بفهمد از سخن | با همه گویا شود در انجمن |
| آشنا باشد به گفتار همه | تا بگوید باشه اسرار همه |

گرچه خادمان و درباریان و حتی محارم اسرار، بر درگاه شاه بسیار بودند، اما هیچ یک از آن‌ها نمی توانستند

مثل طوطی، ملازم دائمی شاه و همراه همیشگی او باشند. چرا که هر یک از آنها وظیفه مشخص و توانایی محدودی داشتند. مثلاً یکی فقط از درون خانه آگاه بود، دیگری از بیرون، عده‌ای فقط در سفر همراه شاه بودند و عده‌ای فقط در حضر، پیش شاه بودند. اما طوطی، می‌توانست از همه این مرزها و مرزبندی‌ها بگذرد. درست مثل انسان، که از بین همه خلائق، منظور رب العالمین، قرار گرفت و از عنایت او توانایی‌های ویژه‌ای پیدا کرد، آن‌طور که می‌توان از عالم جهانیان عبور کرده، به حلقه روحانیان درآید. و نیز مخیر است که منزل بر خاک و یا طارم افلاک بگستراند.

می‌تواند در حالی که تن، در منجنیق مشرکان، گرفتار دارد، روح را به هم صحبتی با روح القدس مشغول نماید می‌توان شبی از قاب قوسین بگذرد و روز دیگر همسایه ابولهب باشد!

| | |
|--------------------------|--------------------------|
| از میان دیگرانش برگزید | این چنین دید چون رب مجید |
| تارکش را تاج کرمنا نهاد | زینت از تشریف فضلناش داد |
| مظهر آیات ربانیش کرد | محرم اسرار پنهانیش کرد |
| مهتری دادش در اقلیم شهود | پادشاهش کرد در ملک وجود |



بر این اساس خداوند رحمن در وجود انسان توانایی و استعدادی مضاعف از دیگر مخلوقاتش به ودیعه نهاده است. استعدادی که انسان را چون گلی از بوستان آفرینش ممتاز گردانید و خاک وجود او را با عطر کبریایی و نفعه‌ای از روح الهی اش آذین نموده است. و اکنون به نظاره شکوفایی این گل بهشتی در بوستان هستی، ایستاده است.